

# Study of Quality of Remarriage After Divorce Grounded Theory Method

**Masoume Yekleh\***: Ph.D. student, Kharazmi university, Tehran Iran. m\_yekleh@yahoo.com

**Farshad Mohsenzade:** Assistant professor, Kharazmi university, Tehran Iran. farshadm56@gmail.com

**Kianoosh Zahrakar:** Associate professor, Kharazmi university, Tehran Iran. dr\_zahrakar@yahoo.com

## Abstract

**Introduction:** With the increasing rate of divorce, remarriage has become common. It also has less satisfaction and stability than the first marriage. Therefore, due to the lack of enough knowledge in this area, the present study was conducted to study the quality of remarriage and providing a conceptual model for it.

**Methods:** This was a qualitative research study, and it was performed using the grounded theory method. The sample consisted of all couples living in Tehran whom at least one of the spouses was remarried for the second time or more, and their first marriage was terminated due to divorce. From whom, twenty people were selected by a targeted snowball sampling method. The semi-structured interview used as the research tool. Finally, data were analyzed using Strauss and Corbin coding techniques.

**Results:** According to the results, “priority misalliance” is the main factor which determined the remarriage quality, and its severity defined by individual(attitudes and expectations, emotional insecurity, remarriage readiness, and addiction), contextual(sociocultural factors and demographic characteristics) and the intervening factors related to the previous marriage(ex-spouse, stepchildren, and length of previous marriage). Strategies used to deal with conflicts caused by priority misalliance determine the satisfaction level and quality of remarriage.

**Conclusions:** The results of this research emphasize the importance of preventive and educational measures in the quality of remarriage. Therefore, designing communication preparation and enrichment programs for those who want to remarry, to enhance communication skill and identify potential challenges, and adopt effective strategies in facing those challenges, can play an important role in increasing the quality of remarriage.

## Keywords

Remarriage Quality

Grounded Theory  
Method

Stepfamily

Please cite this  
article as follows:

Yekleh M, Mohsenzade F, and Zahrakar K. Study of quality of remarriage after divorce grounded theory method. Quarterly journal of social work. 2018; 7 (3); 17-31

\*Corresponding Author  
Study Type: Original  
Received: 23 Jul 2018  
Accepted: 18 Dec 2018

# مطالعه کیفیت ازدواج مجدد پس از طلاق رویکرد داده بنیاد

معصومه یکلله\*: دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی تهران(پرdis)، ایران. m\_yekleh@yahoo.com

فرشاد محسن زاده: استادیار گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی تهران، ایران. farshadm56@gmail.com

کیانوش زهراکار: دانشیار گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی تهران، ایران. dr\_zahrakar@yahoo.com

## واژگان کلیدی

کیفیت ازدواج مجدد

رویکرد داده بنیاد

خانواده ناتنی

## چکیده

**مقدمه:** با افزایش میزان طلاق، ازدواج مجدد نیز به پدیده‌ای شایع تبدیل شده است که میزان رضایتمندی و ثبات آن کمتر از ازدواج اول است. با توجه به نقص دانش بافتی در این حیطه، پژوهش حاضر با هدف مطالعه کیفیت ازدواج مجدد و ارائه مدل مفهومی انجام شده است.

**روش:** در این پژوهش از مطالعه کیفی داده بنیاد استفاده شده است. نمونه مطالعه از بین زوج‌های ساکن شهر تهران که حداقل یکی از همسران ازدواج دوم به بعدش بوده و ازدواج اول آن‌ها به علت طلاق خاتمه یافته بود، بیست نفر به شیوه هدفمند و گلوله بر فی انتخاب شدند. در این پژوهش از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته استفاده شد. داده‌ها نیز از طریق فنون کدگذاری استراوس و کوربین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** بر طبق نتایج، "ناهمخوانی اولویت‌ها" به عنوان مقوله محوری، تعیین کننده کیفیت ازدواج مجدد بود. شدت این ناهمخوانی تحت تاثیر عوامل فردی (نگرش و انتظارات، ناامنی عاطفی، میزان آمادگی برای ازدواج مجدد و اعتیاد)، عوامل بافتی (عوامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی) و عوامل مداخله‌گر مربوط به ازدواج قبلی (همسر سابق، فرزندان ناتنی و طول مدت ازدواج قبلی) قرار داشت، و راهبردهای بهکارگرفته شده در مقابله با تعارض ناشی از ناهمخوانی اولویت‌ها، میزان رضایت و کیفیت ازدواج مجدد را تعیین می‌کند.

**بحث و نتیجه‌گیری:** نتایج حاصل از این پژوهش بر اهمیت اقدامات پیشگیرانه و آموزشی در کیفیت ازدواج مجدد تاکید دارد. لذا طراحی برنامه‌های آماده‌سازی و غنی‌سازی روابط برای افرادی که پس از طلاق قصد ازدواج مجدد دارند، با هدف شناساندن چالش‌های بالقوه ازدواج مجدد به زوج‌ها، ارتقا مهارت‌های ارتباطی و اتخاذ راهبردهای کارآمد در مواجه با چالش‌ها، می‌تواند نقش موثری در افزایش کیفیت ازدواج مجدد داشته باشد.

\* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۷

معصومه یکلله، فرشاد محسن زاده و کیانوش زهراکار. مطالعه کیفیت ازدواج مجدد پس از طلاق (رویکرد داده بنیاد). فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۷؛ ۷ (۳): ۳۱-۳۷

نحوه استناد به مقاله:

## مقدمه

ازدواج یکی از پیچیده‌ترین روابط انسان‌ها است که در همه جوامع پایه و اساس خانواده را شکل می‌دهد و بخش بسیار مهمی از زندگی فردی و اجتماعی هر فرد است که می‌تواند اثرات قابل توجهی بر سلامت افراد و جامعه داشته باشد.<sup>(۱)</sup> با وجود مزايا و فواید یک ازدواج خوب و تمایل زوج‌ها برای داشتن یک ازدواج طولانی مدت و شاد، حدود چهل تا پنجاه درصد از ازدواج‌ها در ایالت متحده به طلاق ختم می‌شود.<sup>(۲)</sup> در ایران نیز آمار، بیانگر افزایش پدیده طلاق در سال‌های اخیر بوده است، به طوری که در سال ۱۳۹۶، صد و هفتاد و پنج هزار مورد طلاق ثبت شده که بالاترین آمار تاریخ ثبت احوال ایران از سال ۱۳۴۳ است.<sup>(۳)</sup> نکته قابل توجه این است که هفتاد تا هشتاد درصد از زنان و مردان پس از جدایی، مجدد ازدواج می‌کنند<sup>(۴)</sup> و رابطه آن‌ها نسبت به ازدواج اولی‌ها بیشتر در معرض خطر از هم‌پاشیدگی قرار دارد به‌طوری‌که طبق گزارش برخی از پژوهش‌ها در ایالت متحده، میزان طلاق در ازدواج‌های مجدد بیشتر از میزان طلاق در ازدواج‌های اول است و تقریباً شصت درصد از ازدواج‌های مجدد به طلاق ختم می‌شود.<sup>(۵)</sup> این میزان در ازدواج‌هایی که کودکان از رابطه قبلی حضور دارند، به مراتب بیشتر است.<sup>(۶)</sup> کیفیت ازدواج یک ارزیابی ذهنی از رابطه یک زوج است که مفاهیمی از قبیل، سعادت زناشویی، بهزیستی زناشویی، ناخشنودی زناشویی، سازگاری زناشویی و رضایت زناشویی را شامل می‌شود.<sup>(۷)</sup> طبق تعریف کمبل ۲۰۱۲، کیفیت زناشویی، پاسخ عاطفی فرد است به میزان رضایت، لذت، و یا احساس شادی که نسبت به ازدواجش دارد.<sup>(۸)</sup> عوامل بسیاری در کیفیت و موقفيت یک ازدواج نقش دارند ولی برخی عوامل به‌طور خاص در کیفیت ازدواج مجدد نقش دارند. که در ادامه به مهمترین آن‌ها پرداخته می‌شود. ازدواج مجدد زمانی است که حداقل یکی از همسران قبلاً با شخص دیگری ازدواج کرده باشد و شامل ازدواج‌های دوم به بعد می‌شود.<sup>(۹)</sup> عموماً نقش‌های مذاکره شده خانوادگی، هنجارهای غیر شفاف، استراتژی‌های تشکیل خانواده منحصر به‌فرد و تجربه‌های زناشویی قبلی، همه گویای این هستند که چطور همسرانی که ازدواج مجددشان است با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.<sup>(۱۰)</sup> نکته مهم این است که زوج‌ها در ازدواج مجدد نسبت به زوج‌هایی که اولین ازدواجشان است، تمایل بیشتری به مشاجره دارند و کمتر از الگوهای مثبت ارتباطی بهره‌مندند.<sup>(۱۱)</sup> در مقابل، برخی تحقیقات نشان داده است که زن و شوهرها در ازدواج مجدد از نظر ارتباطی ضعیفتر نیستند.<sup>(۱۲)</sup> آلن، باکوم، برنت، اپستاین، و رنکین-اسکوار<sup>(۱۳)</sup> از نظر اجتناب از ارتباط در هنگام مشکلات زناشویی تفاوت معناداری بین دو گروه ازدواج اول و ازدواج مجدد پیدا نکردند.<sup>(۱۴)</sup> نقش همسر سابق نیز توسط محققان مورد بررسی قرار گرفته است. بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهند که ارتباط با همسر قبلی، تهدیدی برای کیفیت و رضایتمندی از ازدواج مجدد محاسب می‌شود و منجر به کشمکش و تعارض در رابطه می‌گردد.<sup>(۱۵)</sup> اغلب زوجین با ازدواج مجدد از داشتن ارتباط با همسر قبلی ترس دارند چراکه مانع از شکل‌گیری یک رابطه صمیمی با همسر جدید می‌شود. این ترس به این علت است که ارتباط دوستانه با همسر قبلی، با رضایتمندی از زندگی مشترک فعلی رابطه منفی و مستقیمی دارد. در صورتی که رفتار غیردوستانه با همسر سابق باعث رضایتمندی از ازدواج مجدد می‌گردد.<sup>(۱۶)</sup> تصمیم‌گیری‌های مالی نیز در ازدواج‌های مجدد، پیچیده است. به شرکت گذاشتن منابع مالی، حفظ استقلال مالی، و یا ترکیبی از این دو، چالشی است که در ازدواج مجدد مرسوم تر از ازدواج اول است.<sup>(۱۷)</sup> آلن و همکاران<sup>(۱۸)</sup> دریافتند که هم مردان و هم زنان در ازدواج مجدد نسبت به ازدواج اول، استقلال مالی را ترجیح می‌دهند.<sup>(۱۹)</sup> با این حال، برخی مطالعات دیگر نشان داده‌اند که بیش از نیمی از زوج‌هایی که ازدواج مجدد داشتند، درآمد خود را به اشتراک گذاشته و به همان اندازه در فرایند تصمیم‌گیری مالی مشارکت و از این نحوه مدیریت مالی رضایت داشتند.<sup>(۲۰)</sup>

روابط زن و شوهرها در ازدواج مجدد با حضور کودکان پیچیده‌تر می‌شود. برآمیلت و موشر گزارش دادند که احتمال انحلال ازدواج دوم، با حضور کودکان و به ویژه کودکان ناخواسته از ازدواج قبلی، بالاتر است.<sup>(۲۱)</sup> در واقع حضور کودکان و پیچیدگی‌های مربوط به آن‌ها، چالشی است که فقط به ازدواج مجدد مربوط می‌شود.<sup>(۲۲)</sup> با توجه به سن، جنس و محل سکونت کودکان، مسائلی که پدر و مادر در خانواده‌های ناتنی با آن مواجه هستند متفاوت خواهد بود.<sup>(۲۳)</sup> انتظارات و باورهایی که نسبت به ازدواج مجدد وجود دارد نیز بر روی کیفیت درک شده ازدواج مجدد اثر می‌گذارد. برخی از زوج‌ها بر این باورند که تجربه قبلی ازدواج، شرایط ازدواج مجدد را تسهیل می‌کند و برای انتخاب همسر می‌تواند موثر باشد؛<sup>(۲۴)</sup> ولی انتظارات غیرواقعي مانند "بی عیب و نقص بودن شریک جدید زندگی" می‌تواند اعضای خانواده را در

قانونی بر سر راه پایان دادن به روابط زناشویی ناخوشایند به بروز پدیده‌های منجر می‌گردد. که بافت اجتماعی-فرهنگی موجود هستند. این موضوعات و پویایی‌های ناشی از آن‌ها ایجاب می‌کند که به عوامل بافتی در توصیف و تبیین فرآیندها و پیامدهای ازدواج و ازدواج مجدد توجه بیشتری گردد. حال با توجه به اینکه در داخل کشور مطالعه‌ای که به طور خاص کیفیت ازدواج مجدد را مورد بررسی قرار داده باشد، یافت نشد، لذا پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی در پی پاسخ به این سوال است: کیفیت ازدواج‌های مجدد با توجه به بافت فرهنگی-اجتماعی چگونه است؟

ازدواج مجدد با مشکل مواجه کند.(۱۱)

از طرف دیگر ساختار فرنگی هرجامعه، نقش مهمی در تعریف و طرز تلقی افراد از ازدواج دارد و نقش‌های زوجی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.(۲۰ و ۱۹) قبل از ازدواج، هریک از زوجین انتظارات خاصی از ازدواج دارند. خانواده اصلی هریک از زوج‌ها در شکل‌گیری این انتظارات نقش مهمی دارد. وقتی انتظارات برآورده نمی‌شود، سبک‌های ارتباطی متعارض شکل می‌گیرد و یا سردرگمی نقش رخ می‌دهد و نارضایتی زناشویی افزایش می‌یابد. (۲۱) جامعه ایران نیز قواعد و هنجارهای ویژه خود را در خصوص مولفه‌های مربوط به ازدواج و همچنین ازدواج مجدد از جمله انتخاب همسر، آداب و رسوم، نقش‌ها و انتظارات زوجی، وظایف، نقش خانواده‌های اصلی و نیز مسئله طلاق دارد، به طور مثال، در بافت حاضر، ازدواج برای گریز از فشارهای اجتماعی موضوعی است که بر فرآیندها و پیامدهای بسیاری از ازدواج‌ها اثر می‌گذارد، یا موانع موجود اجتماعی -

## روش

در این پژوهش کیفی از نظریه داده بنیاد استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به صورت هدفمند و گلوله برفی، از بین زوج‌های ساکن شهر تهران با این شرط که حداقل ازدواج یکی از زوجین ازدواج دوم به بعدش باشد و ازدواج اول نیز به علت طلاق خاتمه یافته باشد، انتخاب شدند. نحوه کار به شیوه گلوله برفی به این صورت بود که در مورد هدف و نحوه مشارکت در پژوهش، از طریق سایت و کانال مجازی مرکز مشاوره یکتا، دوستان و همکاران، اطلاع رسانی گردید، بدین ترتیب افرادی برای شرکت در پژوهش مراجعه نمودند و از طریق آن‌ها، افراد دیگری که شرایط مشابه داشتند به پژوهشگر معرفی شدند. نمونه‌گیری تا اشبع نظری داده‌ها یافت. تعداد شرکت‌کنندگان بیست نفر شد که اطلاعات جمعیت شناختی آن‌ها در جدول شماره یک آورده شده است.

جدول (۱) اطلاعات جمعیت شناختی		
فرمایی (درصد)	ویژگی‌ها	سن (سال)
۳۶/۸	میانگین	
۲۴	حداقل	
۵۴	حداکثر	
(۲۵)۵	هسته‌ای (بدون فرزند)	
(۳۵)۷	مادرناتی	
(۱۰)۴	پدرناتی	
(۲۰)۴	پیچیده (هر دو دارای فرزند از رابطه قبل)	
(۲۵)۵	والد اصلی	
(۳۵)۵	والد ناتی	
(۲۰)۴	والد اصلی و ناتی (خانواده پیچیده)	
(۳۰)۶	همسر (خانواده هسته‌ای)	
(۴۵)۹	مجرد (قبلاً ازدواج نکرده)	
(۳۵)۷	طلاق	
(۲۰)۴	فوت همسر	
۴/۷	میانگین	
۱	حداقل	
۱۶	حداکثر	
۷/۵	میانگین	
۱	حداقل	
۲۵	حداکثر	
۲۵/۲۰ ماه	میانگین	
۳ ماه	حداقل	
۲۲ سال	حداکثر	
(۱۰)۲	زیر دیپلم	
(۶۰)۱۲	دیپلم و فوق دیپلم	
(۲۰)۴	لیسانس	
(۱۰)۲	فوق لیسانس و بالاتر	
(۲۵)۵	کمتر از دو میلیون	
(۴۵)۹	دو تا چهار میلیون	
(۳۰)۶	بیشتر از چهار میلیون	

جهت رعایت ملاحظات اخلاقی پژوهش، قبل از شروع هر مصاحبه از مشارکت‌کنندگان برای شرکت در مطالعه و ضبط صدا رضایت گرفته، و درباره اهداف پژوهش، علت ضبط جلسه مصاحبه، محرمانه ماندن اطلاعات و هویت آن‌ها توضیحات لازم داده شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختار استفاده شد. مصاحبه‌ها در فاصله زمانی اردیبهشت تا بهمن ماه سال ۱۳۹۶، توسط پژوهشگر و در محل مرکز مشاوره یکتا در تهران انجام شد. هر مصاحبه‌ای بین سنت الی صد و هشتاد دقیقه به طول انجامید. همچنین چارچوب مصاحبه که می‌بایست همه شرکت‌کنندگان اطلاعات لازم در آن حوزه‌ها را توصیف کنند با توجه به ادبیات پژوهش و چندین مصاحبه اول شکل گرفت. در روش داده بنیاد جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل به طور همزمان انجام می‌گیرد. تحلیل داده‌ها با استفاده از فنون استراوس و کرین انجام شد که شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی است. پیش از آغاز کدگذاری بعد از هر

مقوله‌ها بیرون دارد.

جمع آوری داده‌ها منجر به تحلیل، تحلیل منجر به ظهور مفاهیم و مفاهیم سوال آفریدن و سوالات منجر به جمع آوری داده‌های بیشتر و شناخت بیشتر مفاهیم شدند. این فرایند تا زمانی که مقوله‌های به دست آمده به کفايت نظری بر سند ادامه یافت. طی مرحله کدگذاری محوري و انتخابي با مشخص شدن مقوله محوري، ويژگي ها و ابعاد مختلف سایر مقوله‌ها و نحوه ارتباط آن‌ها باهم، مدل مفهومي عوامل موثر بر كيفيت ازدواج مجدد شکا گفت.

برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از سه تکنیک، کسب اطلاعات دقیق موازی (ارائه متن مصاحبه‌ها و جداول کدگذاری برای بررسی دقیقت مرافق کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات، به استاد راهنمای و مشاور به منظور اصلاح نحوه کدگذاری‌ها)، تکنیک کترل اعضای (اعنکاس گفته‌های آن‌ها توسط پژوهشگر در طی مصاحبه به مشارکت‌کنندگان که باعث تایید یا توضیح بیشتر از جانب آنان می‌شد. همچنین قابلیت اعتبار یا تایید یزدیری با ارائه تحلیل‌های داده‌ای و تاییج آن به پاسخگویان.

مصاحبه، فایل ضبط شده با دقت و به صورت واژه به واژه پیاده‌سازی و تایپ شدند. با گوش دادن چندباره به فایل‌های صوتی و وارسی تطابق دست نوشته‌ها با گفته‌های آزمودنی‌ها، از صحیح مطالع اطمینان حاصل می‌شد.

پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، مفاهیم در حاشیه صفحه‌ای که حاوی مطالب مصاحبه بود یادداشت می‌شدند. انتخاب مفاهیم نه فقط براساس موضوع بلکه با لحاظ کردن "فرآیندها و پیامدها" نیز انجام شد. در گام بعد، مفاهیم به شیوه مقایسه پیوسته با همدیگر مقایسه شدند تا معلوم شود که آیا آن‌ها به پدیده‌های یکسان یا متفاوتی مرتبطاند. آن‌هایی که شباهت مفهومی داشتند در یک گروه قرار داده شدند، با گروه‌بندی مفاهیم بیژوهشگر قادر بود تا به ایجاد

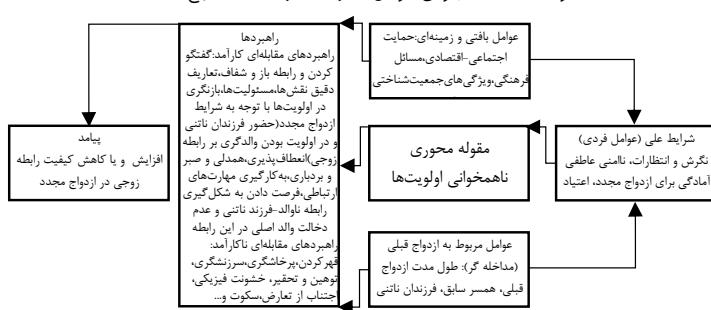
۱۰۷

عوامل اصلی، مقوله‌ها و مفاهیم حاصل از کدگذاری باز و محوری مصاحبه‌ها در جدول شماره دو آورده شده است. ولی با توجه به اینکه توصیف مقوله‌ها و مفاهیم به تهایی برای دستیابی به درکی جامع از اینکه چگونه این عوامل کیفیت ازدواج مجدد را رقم می‌زنند، کافی نیست؛ برای نیل به این مقصود لازم است روابط بین این مقوله‌ها و مفاهیم در چارچوب یک مدل، مفهومی مانند توصیف شوند.

در این پژوهش با مینا قرار دادن مقوله ناهمخوانی اولویت‌ها به عنوان مقوله محوری می‌توان در قالب یک مدل مفهومی نحوه تاثیر و تاثر مقوله‌های دیگر را در کیفیت ازدواج مجدد درک نمود. (نمودار مشاره یک) بر اساس مدل مفهومی به دست آمده، یافته‌ها را می‌توان در قالب عامل محوری، شرایط علی، عوامل زمینه‌ساز و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها به شرح ذیل توضیح داد. لازم به ذکر است به دلیل رعایت اصول اخلاقی و محترمانه ماندن اطلاعات، اسامی، به کار برده شده در مصااححه‌ها، توسط پژوهشگر تغییر داده شد.

۱- ناهمخوانی اولویت‌های زوجی به عنوان عامل محوری، تعیین کننده کیفیت ازدواج مجدد است. شرایط فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی افراد پس از طلاق تعیین کننده اولویت‌های آن‌ها در ازدواج مجدد است. در واقع زوج‌ها با ازدواج مجدد و تشكیل خانواده به دنبال حل مشکلات وابسته به طلاق و تامین نیازها و تجربه شرایطی هستند که در ازدواج قبلی از آن محروم بودند. برخی نیازها و رفع آن‌ها در اولویت اول افراد قرار می‌گیرد که ممکن است در تضاد با اولویت‌های همسر در ازدواج مجدد باشد و باعث بروز تعارض در خانواده و احساس ناامیدی و پشیمانی از ازدواج

وهو يمثل إثباتاً لـ $\neg A \rightarrow B$  وذلك بـ $\neg\neg E$  (نفي النفي) وبـ $\neg A$  (نفي المقدمة).



ازدواج مجدد و اعتیاد بودند.

**-انتظارات و نگرش‌ها:** هر فردی پس از طلاق با انتظارات و اهداف متفاوتی مجدد ازدواج می‌کند. این انتظارات تحت تاثیر تجربه ازدواج قبلی، شرایط پس از طلاق، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده اصلی قرار دارد و تعیین کننده اولویت‌های فرد است. برخی افراد با امید به اینکه با ازدواج مجدد تنها یشان پایان می‌یابد و برخلاف ازدواج قبلی یک رابطه عاطفی و روماتیک را تجربه خواهند کرد دوباره ازدواج می‌کنند. "یکی هم اینکه دنبال یه رابطه محبت آمیزم بودم و می‌گفتم حداقلش اینه که دیگه تنها نیستم... فکر می‌کردم هنرمندم هست و احساسات ریقیری داره نسبت به بقیه و این بی محبتی که من کشیدم این سال‌ها جبران می‌شه. تنها یم تموم میشه ولی خب اصلاً اینطور نبود. ایشون خیلی درگیر کارش و کارشو به هرچیز دیگه‌ای ترجیح می‌ده." در خانواده‌هایی که پس از ازدواج مجدد، فرزندان ازدواج قبلی حضور دارند به دلیل در اولویت قرار گرفتن فرزندان و خواسته‌های آن‌ها جایگاه زوجی در اولویت پایین‌تری قرار می‌گیرد که این امر منجر به بروز تعارض در رابطه زوجی و کاهش کیفیت ازدواج مجدد می‌گردد. حتی در خانواده‌هایی که والد ناتنی در اولویت بودن فرزندان ناتنی را می‌پذیرد و باور دارد که می‌تواند جایگزین والد غایب شود نیز به دلیل موضع بسیاری که بر سر راه تحقق این باور قرار دارد (والد اصلی والد اصلی) مقاومت فرزندان و دخالت‌های والد اصلی) و عدم شناخت نسبت به آن‌ها، باعث نالمیدی و احساس شکست در این افراد می‌گردد. "پیش خودم می‌گفتم خب این دو تا بچه هم مثل بچه خود من چه اشکالی داره، بچه‌ها رو بچه خودم می‌دونستم. دوست داشتم یه خانواده تشکیل بدم... ولی هر کی این فکر رو بکنه اشتباhe. حتی برادر منم یه بار که اختلاف داشتیم گفت تو حتی اگه دستتو

عنوان	مقوله‌ها	جدول(۲) عوامل اصلی، مقوله‌ها و مفاهیم تأثیرگذار بر کیفیت ازدواج مجدد
عوامل اصلی	نگرش و انتظارات	نگرش و انتظارات
	نالمنی عاطفی	بی اعتمادی در رابطه، اختیاط در ابراز عواطف و اجتناب از صمیمت.
	آمادگی برای ازدواج	فاضله طلاق تا ازدواج، سازگاری با طلاق، دلایل ازدواج مجدد.
	اعتباد	اعتباد همسر، ترس از گرایش فرزندان به اعتیاد.
عوامل فردی	ناهمخوانی اولویت‌ها	جاگاه و نقش، تعهد و مستولیت‌بذری.
	رابطه زوجی	کیفیت رابطه جنسی، نزدیکی و صمیمت عاطفی، درک و احترام متقابل، احساس امنیت و اعتماد، توجه و مراقبت نسبت به هم، درک حمایت از طرف همسر.
	راهبردهای مقابله‌ای	راهبردهای مقابله‌ای کارآمد: گفتگو کردن، تعاریف دقیق نقش‌ها و مستولیت‌ها، بازنگری در اولویت‌ها با توجه به شرایط ازدواج مجدد، برقراری رابطه دوستانه با فرزندان ناتنی و عدم اصرار بر ایغای نقش والدی، فرستاد دادن به شکل‌گیری رابطه ناوالد-فرزند ناتنی، انعطاف‌بذری، همدلی و صبر و بردازی، مهارت‌های ارتباطی.
عوامل تعاملی	راهبردهای مقابله‌ای	راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد: قهرکردن، پرخاشگری، سرزنشگری، توهین و تحقری، خشونت فزیکی، اجتناب از تعارض، سکوت.
	پیشینه ازدواج قبلی	علت جدایی، طول مدت ازدواج قبلی.
	همسر سابق	حسادت همسر سابق، ایجاد مزاحمت از طریق استفاده ازیاری از فرزندان، برقراری ارتباط با شوهر سابق به بهانه فرزندان، دلیستگی عاطفی و نوع نگرش نسبت به همسر سابق.
	فرزندان ناتنی	سن و جنسیت فرزندان، محل زندگی (حضور یا عدم حضور در خانواده حاصل از ازدواج مجدد)، رابطه با والد (اصلی-ناتنی)
عوامل مربوط به ازدواج قبلی	ویژگی‌های جمعیت شناختی	سن، تحصیلات، شغل و میزان درآمد.
	حمایت اقتصادی-	حمایت خانواده اصلی و اطرافیان، حمایت جامعه (اقتصادی، روان‌شناسی-آموزشی)
	اجتماعی	فشارهای مربوط به بافت فرهنگی نسبت به زنان مظلومه که منجر به انتخاب‌های عجولانه و اشتباه برای ازدواج مجدد کوتاه‌آمد افرادی و پرهیز از اقدامات موثر در ازدواج مجدد به دلیل ترس از طلاق دوباره.
عوامل زمینه‌ای و بافتی	فرهنگ	حضور پسرش بوده... من ازش چیز زیادی نمی‌خواستم فقط کافی بود یکم به من هم توجه کنه... می‌گم من خیلی احساسی ام. سریع بیخشید با یه عزیزم دور از جون خر می‌شم... اینو بهتون بگم که تا حالا عزیزم بهم نگفته خانومم، تا حالا بهم نگفته دوست دارم." در خانواده‌ها با پدرناتنی نیز در اولویت بودن فرزندان باعث بروز حس حсадت در مردان و اعتراض از جانب آن‌ها می‌شد، "متوجه شدم که اون از این همه رسیدگی من به بچه‌ها ناراحته، هی می‌گفت: آره اینا که می‌ذارن می‌رن یه لیوان آبم دست نمیدن حالا میبینی. منم که باید کنارت باشم. اینقدر لیلی به لالای اینا ندار. اینجوری نکن. چون حساسیت منو نسبت به بچه‌های هم می‌دونستن... اینطور فکر می‌کنه که اگه اونا نباشن اون جاش خیلی بازتره. پایگاهش با ثبات‌تره... خب دوست نداره که اولویت اونا باشن دیگه." در خانواده‌هایی که رابطه زوجی در اولویت قرار داشت، افراد ارزیابی بالاتری از میزان رضایت و کیفیت ازدواج مجدد داشتند. "از وقتی ازدواج کردیم... با اینکه بچه‌هایش بودن، ولی همیشه من تو اولویت بودم... اول از همه انتخاب هر کاری و هر راهی رو به من می‌ده، منم همیشه راهی رو انتخاب می‌کنم که به صلاح جفتمن باشه، به رابطه‌مون، لطمه نخوره."
	۲-شرایط‌الی در ایجاد و میزان شدت ناهمخوانی اولویت‌های اثیری مستقیم دارند. در زیرمجموعه عوامل فردی ویژگی‌هایی قرار گرفتند که در اکثریت نمونه مورد پژوهش و به طور مشترک مشاهده شد. این عوامل شامل: انتظارات و نگرش‌ها، نالمنی عاطفی، آمادگی برای	

هستند را برای ازدواج انتخاب می‌کنند. با این نگرش که این زنان به دلیل ترس از آبرو و طلاق دوباره، با مسئله اعتمادشان راحت‌تر کنار خواهند آمد و با شرط و شروط کمتری (مهریه و هزینه‌های ازدواج و ...) حاضر به ازدواج با آن‌ها خواهند شد. از طرفی مجرد بودن این افراد نکته مثبتی برای زنان مطلقه بهویژه آن‌هایی است که از رابطه قبلی خود دارای فرزند هستند و باعث می‌شود بدون برسی دقیقت، این افراد را برای ازدواج انتخاب کنند. علاوه بر این، گاهی اوقات زنان مطلقه به قدری از طرف خانواده و اجتماع تحت فشار قرار می‌گیرند که برای رهایی از این شرایط با اولین فردی که به آن‌ها پیشنهاد ازدواج دهد بدون ارزیابی سلامت او، وارد رابطه‌ای می‌شوند که شکست آن از پیش قابل پیش‌بینی است. "گفت، پدر و مادرش از هم جدا شدن. سختی کشیده‌ست و همه شرایط تو رو قبول می‌کنه. و ازدواج هم نکرده بود... منم خیلی تو محل کار تحت فشار بودم و دیگه واقعاً خسته شده بودم، پیش خودم می‌گفتم خانوادش از هم پاشیده‌ست و کسی نیست که بخواهد دردرس درس کنه و اینکه بچه‌های منم قبول کرده بودن... باهаш ازدواج کردم..." بعد از دو ماه فهمیدم که مواد مصرف می‌کنه. همچنین با توجه به یافته‌های این پژوهش، اعتیاد به علت ایجاد ترس و نگرانی در مادران از آلوده شدن فرزندانشان توسط پدر ناتنی و متهم شدن بار اضافی مالی، باعث پشیمانی زنان از ازدواج مجرد و فکر کردن به گزینه طلاق دوباره با وجود تمام فشارهای فرهنگی و اجتماعی شده بود. "چون شیشه استفاده می‌کنه، می‌ترسم دست به کارای خطناک بزنه و ... بلای سر بچه‌هام بیاره. بعد این آخریا سرکار نمی‌ره... بجای اینکه وضعیت بهتر بشه تازه یه نون خور دیگه هم اضافه شد."

-آمادگی برای ازدواج مجرد: در بافت فرهنگی-اجتماعی حاضر نه تنها جامعه تمھیداتی را برای افراد مطلقه در جهت سازگاری با فرایند طلاق، حل مشکلات و آماده‌سازی آن‌ها برای ازدواج مجرد با هدف پیشگیری از طلاق دوباره و تبعات منفی آن فراهم نمی‌کند، بلکه خود افراد مطلقه نیز به دلیل عدم آگاهی، فقط با تکیه بر تجربه کسب شده از ازدواج قبلی و رهایی از برخی مشکلات ناشی از طلاق، حتی بدون سپری نمودن زمان لازم در فاصله کوتاهی پس از جدایی وارد رابطه جدید شده و ازدواج می‌کنند. این عدم آمادگی و غافلگیر شدن توسط چالش‌های بالقوه ازدواج مجرد نه تنها مشکلی از مشکلاتشان را حل نمی‌کند بلکه باعث تجربه نمودن مشکلاتی مشابه ازدواج اول و ناامیدی آن‌ها می‌گردد. درواقع عدم آگاهی نسبت به ازدواج مجرد و چالش‌های آن، منجر به انتخاب نادرست، داشتن انتظارات نامعقولة و به تبع آن ناهمخوانی اولویت‌ها می‌شود. همچنین عدم شناخت کافی نسبت به شرایط ازدواج مجرد و مسائل آن و عدم آمادگی برای مقابله صحیح و کارآمد با چالش‌ها باعث تشدید تعارضات در ازدواج مجرد و در نتیجه کاهش کیفیت آن می‌گردد. "گفتمن بهتون من به خاطر اینکه

عمل کنی بکنی تو دهنشون اینا بازم دستو گاز می‌گیرن."

-ناامنی عاطفی: طلاق و شکست در ازدواج، تجربه تلحی است که باعث بی‌اعتمادی در روابط بین فردی افراد می‌شود. به نظر می‌رسد روابط افراد در ازدواج مجرد بیشتر بر پایه منطق است و تلاش می‌کنند وابستگی عاطفی کمتری نسبت به همسر جدید داشته باشند و در ابرازهای عاطفی محظاً تر بوده و نسبت به ازدواج قبلی خود در رابطه زوجی سرمایه‌گذاری عاطفی کمتری می‌کنند. "... به شوهرم می‌گم که تو چرا مثل زن قبلیت به من توجه نمی‌کنی با من مهربون نیستی... می‌گه آدم از یه سوراخ دوبار گزیده نمی‌شه..." گاهی اوقات دلایل طلاق نیز عاملی است که منجر به بی‌اعتمادی در ازدواج مجرد می‌گردد. به طور مثال افرادی که به دلیل خیانت همسر طلاق گرفته بودند، در ازدواج مجرد، همسرانشان را محدودتر کرده و با بی‌اعتمادی منجر به نارضایتی آن‌ها می‌شدند. "والا چی بگم، من فکر می‌کنم زهراء(همسر جدید) رو به اندازه قبلی دوس ندارم دوسش دارما... شاید که به قول معروف چشمم ترسیده، شاید حس خوبی نسبت به زن‌ها نداشته باشم... بیشترش همینه دیگه، بی‌اعتماد شدم."

-اعتیاد: اعتیاد از جمله عوامل شناخته شده‌ای است که ازدواج را به سمت طلاق سوق می‌دهد. در ازدواج مجرد نیز اعتیاد باعث کاهش کیفیت ازدواج مجرد می‌گردد. بدین ترتیب که علاوه بر اینکه تهیه مواد و داشتن یک سرپناه برای افرادی که دچار اعتیاد هستند، در اولویت قرار دارد و منجر به بی‌توجهی و بی‌مسئولیتی نسبت به سایر جنبه‌های ازدواج مجرد و بروز تعارض و نارضایتی در رابطه زوجی می‌گردد؛ به نظر می‌رسد پسaran مجردی که به خاطر مشکل اعتیاد، شرایط شغلی و مالی مناسبی ندارند، زنان مطلقه‌ای که شاغل و از نظر مالی مستقل

مجدد، عدم تجربه مشکلات قبلی در ازدواجشان است. بدین ترتیب که معمولاً افراد در ازدواج مجدد کسانی را انتخاب می‌کنند که ویژگی‌های منفی همسر سابقشان را نداشته باشد یا واجد ویژگی‌هایی باشد که همسر سابق فاقد آن‌ها بوده و این فقدهای و کم بودهای ناشی از آن باعث جدایی آن‌ها شده باشد. این امر می‌تواند باعث نادیده گرفتن جنبه‌های دیگر در انتخاب همسر جدید و احتمال بررسی مشکل در ازدواج مجدد گردد. "وقتی تازه باهایش آشنا شده بودم خیلی از بدی‌هاشو ندیدم. اینکه خیلی اهل مسافرت بود که اون اوایل می‌گفت من بخارط تو می‌رم... یا مثلاً اون موقع‌ها نقش بازی می‌کرد ازم می‌پرسید: غذا خوردی؟ برای من این خیلی خوب بود و پیش خودم فکر می‌کردم این چقدر به من توجه داره. این برای من نکته مثبتی بود... ولی نه اینکه تو زندگی قبیلی خیلی از شوهرم بی‌توجهی دیده بودم، اون موقع اینکاراش خیلی برام مهم بود." از دیگر اثرات ازدواج قبلی، ناتوانی افراد در مواجهه با سختی‌ها در ازدواج مجدد است: "من بعد از ازدواج خیلی یهو افت کردم. که برای خودم عجیب بود. الان که فکر می‌کنم یکی از دلایلش این بود که یه‌دفعه همه مسولیت یه زندگی جدید او مد رو دوشم، بدون هیچ کمکی، انگار که اون استهلاک سیزده چهارده سال قبل یهو خودشو نشون داد... از همه جهت تحلیل رفتم. پشیمون شدم از ازدواجم. و پشیمون شدم."

**- همسر سابق:** در پژوهش حاضر مقوله همسر سابق و نقش آن در کیفیت ازدواج مجدد فقط در مورد مردانی مصدق پیدا می‌کند که پس از طلاق، مجدها با زن دیگری ازدواج کرده‌اند؛ زیرا شوهران سابق زنان مطلقه پس از ازدواج مجدد، از زندگی زنان سابقشان خارج شده و مزاحمتی برای آن‌ها ایجاد نمی‌کنند. والدین مجبورند به دلیل مسائل فرزندانشان حتی پس از جدایی

می‌خواستم از دهن مردم بیفتم ازدواج کردم ولی متأسفانه زود تصمیم گرفتم و تحقیق نکردم. گفتم چون مجرده از دستم میره و برام این خیلی شرایط خوبی بود... الان من خودم می‌بینم که خیلی عجله کردم و با اینکه یه تجربه تلخ قبلی داشتم و این همه عذاب و سختی کشیدم، واقعاً دو هفته برای تصمیم‌گیری خیلی کم بود. باید خیلی دقت می‌کردم." فاصله کوتاه بین طلاق و ازدواج مجدد بهدلیل طی نکردن مراحل سازگاری طلاق، بهویژه در شرایطی که طول مدت ازدواج قبلی زیاد باشد، می‌تواند شرایط ازدواج مجدد را پیچیده‌تر نماید. به‌طور مثال، مردی که پس از بیست و دو سال زندگی مشترک از همسرش جدا شده و در عرض کمتر از پنج ماه مجدد ازدواج کرده است، به دلیل طی نکردن فرایند طلاق و حل نشدن مسائل عاطفی مربوط به رابطه قبلی و احساس تعهد و دلبستگی نسبت به همسرش قبلی، دچار تعارض در ازدواج مجدد می‌شود: "شوهرم موقعی که او مد سراغ من عاشق همسرش بود و گفت من زنmo دوست داشتم. خودش خواست جدا بشه... بعد از ازدواج، سر اینکه قرارداد اجاره همسر سابقشو این بسته بود کشمکش داشتیم. به من گفته بود سراسال بشه دیگه فسخ می‌کنم که به نام خودش قرارداد بینده. که سر سال شد گفتم خب چرا نمی‌ری قرارداد رو فسخ کنی؟ گفت برم به بچه‌هام ضربه می‌خوره. گفتم تو چیکاره اونی؟! به تو چه ربطی داره؟! می‌گفت مادر بچه‌هامه. اصلاً اون که می‌خواست زن بگیره باید این کارشو ردیف می‌کرد بعد زن می‌گرفت."

**۳- عوامل مربوط به ازدواج قبلی به عنوان شرایط مداخله‌گر به‌طور غیر مستقیم با تاثیر بر عوامل فردی و راهبردهای مقابله‌ای، در ارزیابی کیفیت ازدواج مجدد تاثیر می‌گذارد.** پیشینه ازدواج قبلی، همسر سابق و حضور فرزندان از رابطه قبلی به عنوان عوامل مربوط به ازدواج قبلی و شرایط مداخله‌گر طبقه‌بندی شدند. نحوه اثرباری این عوامل بر شرایط علی و راهبردهای مقابله‌ای بدین صورت است که انتظارات و نگرش‌های افراد تحت تاثیر پیشینه ازدواج قبلی افراد قرار دارد و حضور فرزندان از رابطه قبلی، با تاثیر بر روی اهداف ازدواج مجدد، تعجیل در ازدواج مجدد بدون داشتن آمادگی و سازگاری با فرآیند طلاق جهت سروسامان به وضعیت فرزندان و در اولویت قرار گرفتن نقش والدگری نسبت به رابطه زوجی، کیفیت ازدواج مجدد را به صورت منفی تحت تاثیر قرار می‌دهد. همچنین همان‌گونه که در بخش قبلی مطرح شد، پیشینه ازدواج قبلی و کیفیت رابطه با همسر سابق در ازدواج قبلی، در ایجاد نامنی عاطفی نقش بسیار مهمی دارند. در واقع عوامل مداخله‌گر با اثرباری عوامل فردی و ایجاد و تشدید ناهمخوانی اولویت‌ها، زمینه‌ای را فراهم می‌کنند که باعث ناتوانی زوج‌ها در به کارگیری راهبردهای مقابله‌ای کارآمد و در نتیجه، تشدید تعارضات زوجی و کاهش کیفیت ازدواج مجدد می‌گردد.

**- پیشینه ازدواج قبلی:** معیار افراد برای انتخاب همسر در ازدواج

ناتی در خانواده‌های مادرناتی و پیچیده (که زوج‌ها، هر دو از رابطه قبلی دارای فرزند هستند) اثرات منفی بیشتری داشتند و در خانواده‌های پدرناتی روابط دوستانه‌تری بین والد ناتی و فرزندان وجود داشت. یکی از زنان مشارکت‌کننده، روابط همسر جدید و فرزندانش را اینگونه توصیف می‌کند: "با بچه‌های فوق العاده عالیه. مثلاً بچه‌های احساس غریبی نمی‌کنن و باهش دوست هستن و بهش می‌گن آنا نادر. اونم بچه‌های منو خیلی دوست داره. به دخترم وقتی میاد خونمون خیلی احترام می‌ذاره و کلا خیلی بچه‌های باهش راحتمن و تا حالا مشکلی باهش نداشتند."<sup>۱</sup> رخلاف خانواده‌های پدرناتی، در خانواده‌های مادرناتی، روابط فرزندان دختر با والد ناتی تعارض آمیز بود. "روزی که او مدم با این آقا زیر یه سقف زندگی کنم دخترش ناسازگاری کرد. جلوی من بدرفتاری می‌کرد، تا پدرشو می‌دید رفتارشو عوض می‌کرد به شوهرم می‌گفتم: ناهار نمی‌این با من ناهار نمی‌خوره. می‌گه من این غذاها رو دوس ندارم بعد میره یواشکی هله هوله از خونه مادرشوهرم که پایین بود می‌خوره. همچنین در خانواده‌های مادرناتی و پیچیده، والد اصلی (مرد) که با فرزندش در ازدواج مجدد زندگی می‌کند به دلیل طلاق و جداشدن فرزندش از والد (زن)، چون نسبت به او احساس گناه می‌کند، با اولویت قرار دادن او و نادیده گرفتن رابطه زوجی، باعث کاهش کیفیت ازدواج مجدد می‌گردد. همچنین حمایت‌ها و محبت‌های افراطی، توجه بیش از حد به فرزند، نادیده گرفتن اشتباها اوت و دخالت در رابطه فرزند-والد ناتی (روابط مثلشی)، باعث ایجاد حساسیت و حسادت والد ناتی به فرزند ناتی شده و رابطه را تعارض آمیزتر می‌نماید. "اگه سعید دخالت نمی‌کرد رابطه دوستانه‌تر می‌شد. من اون اوایل رفتم یسری وسائل و تخت و کلی لباس برash خریدم. می‌خواستم به ذوق بیارمش... موهاشو برash چهل گیس می‌باقتم، بهش می‌گفتم دوس دارم تو خوشگل بشی. دوست داشتم رابطه خوبی باهش داشته باشم. ولی شوهرم گفت که تو با این کار نداشته باش. همین باعث شد که ما از هم خیلی دور شدیم."

**۴- با توجه به عوامل بافتی و زمینه‌ای، افراد در مواجهه با ناهمخوانی اولویت‌ها به صورت متفاوتی واکنش نشان می‌دهند.** ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، شرایط اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی از جمله عوامل زمینه ساز مدل مفهومی کیفیت ازدواج مجدد هستند که با تاثیر بر شرایط علی و راهبردهای اتخاذ شده در مواجهه با ناهمخوانی اولویت‌ها، کیفیت ازدواج مجدد را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

**-ویژگی‌های جمعیت شناختی (جنسیت-تحصیلات-میزان درآمد):** در مورد تفاوت‌های جنسیتی در ازدواج مجدد، به علت عدم همکاری مردان، فقط با استناد به صحبت‌های زنان در خصوص شوهرانشان و سه نفر از مردانی که حاضر به همکاری شدند، می‌توان گفت که مردان از ازدواج مجددشان حتی در شرایطی که همسرانشان

یا ازدواج مجدد نیز با آنان ارتباط داشته باشند که در این میان نمی‌توان تاثیر این رابطه را بر روی همسر جدید نادیده گرفت. همسر سابق به دلیل حسادت به زندگی جدید همسر، از طریق تماس‌های مکرر با او و فرزندان و تحریک حس حسادت همسر جدید، استفاده ابزاری از فرزندان در ایجاد تعارض در رابطه والد-فرزندان و والد ناتی-فرزندان و رابطه زوجی، نقش مهمی را در کاهش کیفیت و رضایت از ازدواج مجدد دارد. "من از نظر مالی، خودم داشتمو محتاج کسی نبودم ناصر رو هم کشوندم بالا. این مسئله ناراحتش می‌کرد. می‌دونی اون اصلاً فکر نمی‌کرد ناصر با همچین شخصی و شرایطی ازدواج کنه..." چون خودش الان با کسی ازدواج کرده که معتاده... بعد من به شوهرم گفتم این داره خیلی مزاحم می‌شه. مدام باهش ارتباط برقرار می‌کرد... مدام اینکه پسرم هست، دخترم هست. به شوهرم گفتم تو که می‌گفتی اینا اصلاً ارتباطی با هم ندارن زنگم نمی‌زنن! گفتش: بعد از ازدواج با تو اینجوری شده. می‌خواهد اذیت کنه." هر چقدر رابطه شوهر با همسر سابقش در ازدواج اول پر تعارض تر و هیجانات فعلی شوهر نسبت به او منفی تر باشد میزان حساسیت همسر فعلی به رابطه شوهر با همسر سابقش و تاثیر آن بر کیفیت ازدواج مجدد کمتر است. "یه وقتی بیهش دیدم پیام میده ولی من سعی کردم عکس العملی نشون ندم، به خاطر اینکه بیشتر اون صحبت می‌کنه همسر من دیگه میلی نداره که با اون تماسی داشته باشه... می‌دونستم شوهر من زیاد روی خوش بیش نشون نمیده و خوشش نمیاد الان دیگه زن داره بخواهد بشینه با اون صحبت کنه و اینکه تو این مدت و با همه حسادت‌های زن سابقش، عاشق هم‌دیگه‌ایم."

**-فرزندان ناتی:** به‌طور کلی حضور فرزندان از رابطه قبلی با هر سن و جنسیتی نارضایتی و کاهش کیفیت ازدواج مجدد را به همراه دارد. در مطالعه حاضر، فرزندان

منم گفتم نه... مال تو یعنی مال بچه هات.  
مال بچه هاتم یعنی مال مادرشون. من بیست و پنج ساله دارم زحمت می کشم."

**- حمایت شبکه اجتماعی:** فقدان سیستم حمایتی-آموزشی نظاممند در جامعه برای افرادی که طلاق می گیرند و بی توجهی به آنها باعث می شود که ازدواج مجدد به جای بهبود شرایط این افراد، مسائل و مشکلات دیگری را به مسائل و مشکلات حل نشده قبلیشان اضافه نماید. به همین دلیل کیفیت ازدواج مجدد نسبت به ازدواج اول پایین تر است. و غالباً افراد اذعان می کنند که "اگر می دونستیم که قراره با چنین مشکلاتی مواجه بشیم خب تو اون زندگی مونده بودیم و اصلاً طلاق نمی گرفتیم." فقر مالی و فرهنگی خانواده های اصلی مانع حمایت آنها از فرزندانشان در ازدواج مجدد شده که اثر آن را می توان در تداوم یک ازدواج پرتبش و سو استفاده همسران از این موقعیت مشاهده نمود. "به خاطر اینکه خواهرم جدا شده و خونه بابامه خب منم که این ازدواج دومنه... بابام به هیچ وجه نمی ذاره من دوباره طلاق بگیرم... شوهرم همه اینا رو می دونه و هر جور که دلش می خود با من رفتار می کنه... منم چاره ای ندارم مجبورم بسازم."

**- فرهنگ:** ردپای اثرات فرهنگی را در عواملی که در بالا ذکر شد می توان ملاحظه کرد. درواقع فرهنگ و شرایط هر جامعه ای در تمام مراحل ازدواج مجدد اثرگذار است. فشارهایی که در جامعه ما به زنان مطلقه پس از طلاق به دلیل مزاحمت هایی که از سوی مردان جامعه برای داشتن روابطی در قالب ازدواج موقت، همسر دوم و... وارد می شود و گاهی حتی سایر زنان نیز زنان مطلقه را تهدیدی برای زندگی مشترکشان می دانند و باعث طرد آنها می شوند، همچنین نگاههای پر از قضاوت و کنجکاوی افراد جامعه که ریشه در مسائل فرهنگی جامعه مادر، زمینه دخالت و مزاحمت دیگران را در امور

احساس نارضایتی زیادی دارند، راضی تر هستند. بهویژه در مورد مردانی که از رابطه قبلی خود دارای فرزند هستند و هدف اصلی آنها برای ازدواج مجدد پیدا کردن یک مراقب برای فرزند است. "من راضیم، هم از نظر مالی و زندگی، هم از نظر دخترم... وقتی که یکی احترامتو نگه می دارد، برای ارزش قائله... الان تو فامیل ما هر کی دخترم رو می بینه میگه این چقدر خوب شده، چقدر این بچه با ادب شده... با دخترم میرن پارک، خرید... یه چیز می خواهد بخره از دخترم در مورد رنگ و مدلش می پرسه، بها میده به دخترم."

تحصیلات نیز به دلیل تاثیری که در نوع شغل و میزان درآمد دارد از یک طرف اثر مثبتی بر کیفیت ازدواج مجدد دارد. از طرف دیگر افراد تحصیل کرده بهویژه در نقش والد ناتی از راهکارهای مقابله ای مناسبتری در برخورد با چالش ها بهویژه در برخورد با تعارضات رابطه با فرزند ناتی استفاده می کنند. شغل، درآمد و رفاه مالی در ازدواج مجدد و کیفیت آن نقش دارد و زنانی که در ازدواج مجدد از نظر مالی در رفاه بودند با چالش های ناشی از حضور فرزند ناتی راحت تر کنار می آمدند. "من خودم بعد از اینکه جدا شدم حقیقتش خواستگار زیاد داشتم. ولی از نظر اینکه می دونستم تو زندگیم با ایشون تو رفاه خواهم بود و مطمئن بودم که راحتم و دچار دردسر و سختی نیستم..." قبول کردم با وجودی که یک دختر داشت باهش ازدواج کنم... بیشتر فکر راحتی خودم بودم و می گفتم اونم (دختر ناتی) در کنار من بزرگ می شه، به قولی هرچی که می خوام درست کنم اینم یه ذره می خوره، درششو می خونه چیکار داره با من. الان از زندگیم راضیم خوبه خدا رو شکر. به خاطر اینکه از نظر مالی تو مضیغه نیستم... نه اینکه بگم اصلاح مشکلی نداریم، شده یه وقایی سر دخترش بحث مون شده اون از دست من ناراحت شده... من سعی می کنم براش توضیح بدم، بهش حالی می کنم که هدف ما اینه که این دختر خوب و متین بار بیاد." به اشتراک گذاشتن منابع مالی نقش موثری در کاهش تنش های مرتبط با مسائل مالی و بهبود شرایط خانواده ناتی و افزایش رضایتمندی از ازدواج مجدد دارد. همچنین بالاتر بودن سطح اقتصادی زن در ازدواج مجدد و عدم وابستگی مالی او به همسر، می تواند باعث افزایش رضایتمندی از ازدواج مجدد بهویژه در مرد شود، ولی اگر به این مسئله به عنوان وظیفه زن نگریسته شود، و ناسپاسی و قدر ناشناسی همسر نیز به آن اضافه شود، می تواند در کاهش رضایت از ازدواج مجدد در زن و به دنبال آن تفکیک منابع مالی و ایجاد تعارض موثر باشد. از طرف دیگر عادی بودن موضوع طلاق و استقلال مالی زن، در صورت وجود تعارض، خروج از رابطه رابرای او راحت تر می کند. "یه مدت کارت (بانکی) من هم دست شوهرم بود. بعد دیدم از اون ور زنه داره اذیت می کنه ازین ور دختره، و ازین ور هم حال و اوضاع من این جوریه... اینجا بود که اختلاف مالی مون شروع شد که شوهرم گفت این ماشین به نام من باشه.

اگر با هادی تو خونه مشکل پیدا می‌کردم و اون یه چیزی می‌گفت بچه‌هام نسبت به اون خیلی بدین می‌شدن و چون پسر بودن ممکن بود درگیری بین شون پیش بیاد.“

بر عکس در خانواده‌های مادر ناتی که مردان از رابطه قبلی خود دارای فرزند هستند، به دلیل مسولیت‌های بسیاری که مادران ناتی در قبال فرزندان ناتی دارند و تعارض آمیز بودن روابط بین مادران ناتی و فرزندان و احساس ناسپاسی از طرف فرزندان ناتی و همسر، معمولاً زنان در مقابله، با چالش‌ها هیجانی تر برخورد می‌نمایند. ”من تو این زندگی خیلی سختی کشیدم. یعنی اون چندسالی که جدا بودم یه طرف این پنج سال یه طرف... گاهی وقتاً اینقدر فشارم می‌رفت بالا که منو می‌بردن دکتر آمپول و سرم وصل می‌کردن. اشتباه می‌کنم باید به بچه‌ها توجه کنم. می‌دونید. خودمو فحش دادم. شوهرمو فحش دادم. اصلاً یکی دوبار قرص خوردم خودمو بکشم.“

۶- کیفیت رابطه زوجی و ازدواج مجدد، پیامد راهبردهای اتخاذ شده در مواجهه با ناهمخوانی اولویت‌ها است. تیجه مواجهه با ناهمخوانی اولویت‌ها و دیگر چالش‌های ازدواج مجدد و راهبردهای اتخاذ شده، کاهش یا افزایش کیفیت ازدواج مجدد است که در رابطه زوجی با میزان نزدیکی و صمیمیت عاطفی که شامل مفاهیم درک و احترام متقابل، احساس امنیت و اعتماد، توجه و مراقبت نسبت به هم و درک حمایت از طرف همسر، مشخص می‌شود. ”تو این زندگیم بر عکس قبلی هرچقدر که من احترام می‌ذارم همسرم چند برابر به من احترام می‌ذاره... همسرم واقعاً با هامه خیلی منو دوست داره و من خیلی دوستشون دارم.“ بین صمیمیت و نزدیکی عاطفی و رابطه جنسی یک رابطه دوسویه وجود دارد که اثر یکدیگر را تقویت و یا تضعیف می‌کند. با این وجود به نظر می‌رسد در رابطه زوجی صمیمیت و نزدیکی عاطفی بر رابطه جنسی مقدم است و در ازدواج‌هایی که درک و احترام متقابل، احساس امنیت و اعتماد، توجه و مراقبت نسبت به هم و درک حمایت از طرف همسر وجود دارد زوج‌ها از رابطه جنسی خود نیز اظهار رضایت دارند. ”خیلی مهربونه... رابطه زناشوییمون یه دنیای دیگه است اینقدر برای من وقت می‌گذاره، می‌دونه مثلاً من چی دوس دارم... ولی تو ازدواج اولم شوهر قبیلم اصلاً این کارا رو نمی‌کرد، در حدی بود که خودش فقط راضی بشه.“ اعمال رفتارهای خشونت آمیز در رابطه زوجی باعث کاهش کیفیت ازدواج مجدد و رضایت از رابطه جنسی می‌گردد. ”... کلا دست بزن داره و خیلی سرمنو می‌کوبه اینور و اوئور... اون اوایل خیلی خوب بود(رابطه جنسی) چون من دوستش داشتم الان ولی خیلی بده، به خاطر اینکه من ازش متفرق. احساس می‌کنم داره بهم تجاوز می‌کنه.“

شخصی این زنان فراهم می‌کند، لذا این افراد مجبور می‌شوند برای کاهش فشار و رهایی از بدینهای جامعه و فقط برای ثبت شدن نام یک مرد به عنوان همسر در شناسنامه تصمیم به ازدواج مجدد بگیرند و رابطه جدید را با وجود نارضایتی و کیفیت پایین زندگی ادامه دهند. ”...اینکه فکر می‌کردم از دهن مردم درمی‌یام و می‌گن فلانی یه آقایی بالای سرش هست...“ مثلاً ساعت دو شب سه شب، در خونه رو که باز می‌کردم همسایه درو باز می‌کرد از لای در نگاه می‌کرد. این برای من خیلی گرون توم می‌شد. این که فکر می‌کردم اگه ازدواج کنم با خیال راحت‌تر زندگی می‌کنم، و گرنه از روی دلخوشی ازدواج نکردم. اینم که اینجوری از آب دراومد(اعتداد همسر دوم).“ ۵- راهبردهای اتخاذ شده در مقابله با تعارض ناشی از ناهمخوانی اولویت‌ها که تحت تأثیر عوامل بافتی و مداخله‌گر قرار دارند، میزان رضایت و کیفیت ازدواج مجدد را رقم می‌زنند.

راهبردهای مقابله‌ای جز مقوله‌های مربوط به عوامل تعاملی هستند. زوج‌ها با توجه به تفاوت‌های فردی، ویژگی‌های شخصی و منابعی که در دسترس دارند در مواجهه با مشکلات و چالش‌های زندگی از راهکارهای متفاوتی استفاده می‌کنند. یافته‌ها بیانگر این نکته هستند که یکی از دلایل کاهش رضایتمندی زوج‌ها و کیفیت ازدواج مجدد، اتخاذ راهبردهای ناکارآمد در مواجهه با چالش‌های زندگی است. مادرانی که از ازدواج قبلی خود فرزند داشتند در ازدواج مجدد برای پیشگیری از بروز تعارض بین همسر و فرزندانشان، تلاش می‌کردند که با حفظ مرزها و حریم‌ها چالش‌ها و تعارضات را به حداقل ممکن برسانند. ”منم سعی می‌کردم وقتی بچه‌هام بودن هیچی نگم. چون وقتی پدرشون بود خیلی عذاب کشیدن. بعد اون پدرشون بود اگر ما با هم دعواون می‌شد خب می‌گفتند پدر و مادرمون هستن، ولی من

### بحث و نتیجه کلی

طبق نتایج به دست آمده مفاهیم و مقوله‌های عوامل تاثیرگذار بر کیفیت ازدواج مجدد در چهار گروه دسته بندی گردید: عوامل فردی، تعاملی، عوامل مربوط به ازدواج قبلی و عوامل زمینه‌ای و بافتی. در ادامه جهت ارائه یک مدل مفهومی عوامل موثر بر کیفیت ازدواج مجدد، لازم بود تمامی یافته‌های پژوهش را در یک کل واحد کنار هم قرار داد چراکه هیچ کدام از مقوله‌ها و موضوعات به تنهایی درک جامع و درستی درباره این عوامل به دست نمی‌داد. نتیجه این کار بر جسته شدن مقوله ناهمخوانی اولویت‌ها به عنوان مقوله محوری بود. دلیل انتخاب ناهمخوانی اولویت‌ها به عنوان مقوله محوری این بود که بر تمامی جنبه‌های تعامل زناشویی اثرگذار بود و رد پای آن را می‌شد در اکثر مشکلاتی که زوج‌ها تجربه می‌کنند پیدا کرد. ناهمخوانی اولویت‌ها که یکی از مقوله‌های عوامل تعاملی است به عنوان مقوله محوری در این پژوهش نقش اصلی را در کیفیت ازدواج مجدد بر عهده دارد. نکته مهم در ازدواج مجدد این است که این خانواده‌ها به دنبال یک فقدان و شکست شکل می‌گیرند و افراد با ازدواج مجدد در صدد حل و درمان مشکلات ناشی از جدایشان هستند و رفع نیازها و خواسته‌های خود را در اولویت قرار می‌دهند که ممکن است با انتظارات و اولویت‌های همسر هم‌خوانی نداشته باشد. به عنوان مثال برای مردی که از ازدواج قبلی خود دارای فرزند است، تامین نیازها و خواسته‌های فرزند و رضایت او از شرایط جدید در ازدواج مجدد، در اولویت اوست و این مسئله می‌تواند در تضاد با انتظارات و اولویت‌های همسرش قرار گیرد که به علت بی‌توجهی و کم بودهای عاطفی در رابطه قبلی با هدف تامین نیازهای عاطفی به دنبال توجه و محبت همسر، تصمیم به ازدواج دوباره می‌گیرد. همچنین عدم گفتگو در مورد نقش‌ها و انتظارات منجر به تشدید این ناهمخوانی می‌گردد. در ادبیات پژوهش نیز، یافته‌های بسیاری از مطالعات تاثیر ابهام نقش و فقدان ساختار مشخص را بر کاهش رضایتمدی و عدم ثبات در ازدواج مجدد تایید کرده‌اند. عفیفی و کیت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸؛ استورات<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴؛ بی‌تل<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵ به نقل از اسکریوپس و بریث ویت<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰. آن‌ها نشان دادند که خانواده‌های ناتنی توانمند نسبت به خانواده‌های پرچالش، تمایل بیشتری داشتند تا از انواع شیوه‌های ارتباطی، از جمله گفتگوی هر روزه بین اعضای خانواده، سطوح بالاتر شفافیت در روابط و باز بودن، مشارکت در حل مسائل خانوادگی، برقراری قوانین و مرزهای روش، صرف وقت باهمدیگر به عنوان یک خانواده و ارتقای تصویر مثبتی از والدین ناتنی استفاده کنند.

همچنین بر اساس یافته‌ها، نگرش و انتظارات، میزان آمادگی، نامنی عاطفی، و اعتیاد از عوامل فردی موثر بر کیفیت ازدواج مجدد شناخته شدند که در مدل مفهومی ازدواج مجدد تحت عنوان شرایط علی با تاثیر بر ناهمخوانی اولویت‌ها، کیفیت ازدواج مجدد را تحت تاثیر قرار می‌دهند. بدین ترتیب که انتظارات و نگرش‌های غیر واقع بینانه و عدم آمادگی برای ازدواج مجدد با تشدید ناهمخوانی اولویت‌ها باعث کاهش کیفیت ازدواج مجدد می‌شود. پژوهش هیگن بوتابم و آدلر بیدر<sup>۸</sup> و کولمن و گانونگ<sup>۹</sup> ۲۰۰۰ همسو با نتایج پژوهش نشان دادند که نوع انتظارات افراد در میزان رضایت آن‌ها از ازدواج مجددشان تاثیرگذار است و افرادی که با این باور و انتظار که ازدواج دوم راحت‌تر است و احتمال شکست کمتری دارد وارد زندگی می‌شوند، در صورت برآورده نشدن این انتظار دچار نامیدی و دلزدگی می‌شوند.

همچنین بر طبق یافته‌ها، هیچ یک از افراد شرکت‌کننده در این پژوهش قبل از ازدواج مجدد، برای دریافت کمک و مشاوره به متخصصان این حوزه مراجعه نکرده بودند که علت این امر را می‌توان به فقر فرهنگی-مالی افراد و عدم حمایت‌های جامعه از این قشر آسیب پذیر (زوج‌هایی که ازدواج اولشان به دلیل طلاق از هم پاشیده شده) نسبت داد.

وجود یک سیستم حمایتی آموزشی-درمانی می‌تواند تاثیر بسزایی در ارتقا کیفیت ازدواج مجدد و کاهش میزان طلاق مجدد گردد. در خصوص تاثیر برنامه‌های آماده‌سازی زوج‌هایی در ارتقا کیفیت ازدواج مجدد و کاهش میزان طلاق یک برنامه آموزشی را طراحی و اجرا نمودند که تمام شرکت‌کنندگان (شامل فرزندان) به‌طور قابل ملاحظه‌ای رضایتمدی و استحکام روابط خود را بهبود بخشیدند و اظهار داشتند که برنامه بسیار مفید بوده است. همچنین آن‌ها دستاوردهای مهمی کسب کردند: ۱-قدرت تشخیص باورهای غیر منطقی راجع به خانواده‌های ناتنی. ۲-توانایی بحث راجع به مسائل مالی. ۳-توانایی تشخیص عوامل کشمکش و تعارض. ۴-توانایی تشخیص نقاط قوت افراد و خانواده. ۵-گفتگوهای کارآمد.

۶-مهارت‌های فرزندپروری، بهویژه در مورد فرزندان ناتنی.

نامنی عاطفی ناشی از طلاق، نیز از دیگر عوامل فردی است که نزدیکی عاطفی و اعتماد دوباره و تکیه کردن به فرد دیگر

خانواده‌های ناتی ساده و پیچیده استرالیایی مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها دریافتند که حضور فرزندان ناتی باعث کاهش میزان رضایتمندی در هر دو خانواده ساده و پیچیده می‌شود.<sup>(۲۳)</sup> همچنین بر اساس یافته‌های کراسبی-برنت و مک‌کلین تیک؛<sup>(۲۰۰۰)</sup> نقل از کمب‌۲۰۱۲، حضور فرزند ناتی یک عامل استرس زا در خانواده‌های با ازدواج مجدد می‌باشد. آن‌ها بیان کردند موانع و مشکلات در ایجاد یک رابطه مطلوب، ممکن است با حضور فرزندان تشید یابد.<sup>(۱۰)</sup> در مورد طول مدت ازدواج قبلی، در تضاد با نتایج این پژوهش، بامپس، سوئیت و مارتین<sup>(۹۹۷)</sup> به نقل از سانشاین<sup>(۲۰۱۲)</sup> نشان دادند، هر چقدر طول مدت ازدواج قبلی بیشتر باشد افراد ازدواج محور بوده و سازگارترند.<sup>(۲۹)</sup> در مورد عوامل زمینه‌ای تاثیرگذار بر کیفیت ازدواج مجدد، همسو با یافته‌های این پژوهش، آلبرت<sup>(۱۹۷۹)</sup> به نقل از سانشاین<sup>(۲۰۱۲)</sup> دریافت که رضایتمندی از زندگی مشترک با سن رابطه معکوس دارد.<sup>(۲۹)</sup> همچنین نتایج پژوهشی نشان داد که افراد جوان، نسبت به افراد مسن، از ازدواج مجددشان راضی‌ترند.<sup>(۱۰)</sup> همچنین مشابه یافته‌های این پژوهش، نتایج تحقیقات نشان دادند که تحصیلات پایین، درآمد پایین و جایگاه شغلی پایین می‌تواند منجر به کشمکش، نارضایتی و بی‌ثبتایی شود.<sup>(۳۰)</sup> تحقیقی که بر روی صد و یازده زوج آمریکایی توسط لایکر و الدر<sup>(۱۹۸۳)</sup> به نقل از بوروس<sup>(۲۰۱۰)</sup> انجام شد، نشان می‌دهد که فقر مالی ارتباط مستقیمی با سازگاری ارتباطی افراد در ازدواج مجدد دارد و ارتباط مستقیمی بین تحصیلات و ثبات زندگی مشترک، هم در خانواده‌های عادی و هم در خانواده‌های ناتی به دست آوردن.<sup>(۲۳)</sup>

خانواده‌های اصلی نیز به عنوان یک منبع حمایتی در کیفیت ازدواج مجدد نقش دارند. رابطه مثبت یا منفی با خانواده‌های اصلی به طور مستقیم بر رابطه زوجی تاثیر می‌گذارد. در واقع مقدم بودن جایگاه خانواده همسر بر رابطه زوجی و دخالت‌های آن‌ها در مسائل ازدواج فرزندان که ریشه در فرهنگ جمع‌گرای جامعه ما دارد، باعث کاهش رضایتمندی و کیفیت ازدواج مجدد می‌گردد. همچنین فقر مالی و تخصیبات وابسته به فرهنگ حاکم بر خانواده‌های اصلی که منجر به اعمال محدودیت‌هایی برای زنان مطلقه می‌شود از یک طرف و فشارها و تنשی‌هایی که این زنان به موجب مراحت‌هایی که از سوی مردان برای داشتن روابطی در قالب ازدواج موقت، همسر دوم و... وارد می‌شود، از طرف دیگر، آنان را به سمت یک ازدواج نادرست و حفظ آن علیرغم نارضایتی و کیفیت پایین، سوق می‌دهد. همچنین فقدان سیستم حمایتی-آموزشی نظاممند در جامعه برای افرادی که طلاق گرفته و مجدداً تصمیم به ازدواج دارند، یکی از عوامل موثر بر ناتوانی زوج‌ها در مقابله با چالش‌های ازدواج مجدد و پایین بودن کیفیت آن است. در خصوص نقش منابع حمایتی ناکس و زاسمن<sup>(۲۰۰۱)</sup> در تایید یافته‌های پژوهش نشان دادند زنانی که در تصمیم‌گیری برای ازدواج

را برای افراد در ازدواج مجدد سخت می‌کند و از این طریق باعث کاهش کیفیت رابطه زوجی و کیفیت ازدواج مجدد می‌گردد. نتایج تحقیقات رمپل و همکاران<sup>(۲۰۰۱)</sup> نیز همسو با این نتایج، نشان داد که اعتماد تحت تاثیر شکست در ازدواج و پروسه بعد از طلاق قرار دارد و افراد پس از طلاق در روابط بعدی به سختی اعتماد می‌کنند.<sup>(۲۶)</sup> بریمهال و همکاران<sup>(۲۰۰۸)</sup> نیز مطالعه‌ای را جهت بررسی تاثیر روابط قبلی بر روی زوجینی که ازدواج مجددشان بود انجام دادند. آن‌ها دریافتند که یک زمینه مهم که تحت تاثیر روابط قبلی می‌باشد، اعتماد است و افراد در اعتماد کردن به روابط جدیدشان مردد هستند.<sup>(۲۷)</sup> اعتیاد نیز به عنوان یک نقصان فردی از طریق فشار مالی مضاعفی که به خانواده پس از ازدواج مجدد وارد می‌کند، ترس و نگرانی مادران از آلوده شدن فرزندانشان توسط پدر ناتی، باعث عدم رضایت و کاهش کیفیت ازدواج می‌گردد. در این زمینه نتایج پژوهش‌های بووث و ادوارز<sup>(۱۹۹۲)</sup>، ویسمن<sup>(۲۰۰۷)</sup>؛ نقل از بوروس<sup>(۲۰۱۰)</sup>، نیز تاثیر منفی اعتیاد و سوصرف مواد بر رضایتمندی و ثبات در ازدواج مجدد را تایید کرده است.<sup>(۲۸ و ۲۳)</sup> نتایج پژوهش نشان داد، بالا بودن طول مدت ازدواج قبلی، حضور فرزندان ناتی و همسر سابق، به عنوان عوامل مداخله‌گر باعث کاهش کیفیت ازدواج مجدد می‌شوند. در این راستا بسیاری از تحقیقات نیز نشان داده اند که ارتباط با همسر قبلی، تهدیدی برای کیفیت و رضایتمندی از ازدواج مجدد محسوب می‌شود و منجر به کشمکش و تعارض در رابطه می‌گردد و اغلب زوجین با ازدواج مجدد از داشتن ارتباط با همسر قبلی ترس دارند چراکه مانع از شکل‌گیری یک رابطه صمیمی با همسر جدید می‌شود.<sup>(۱۷ و ۱۸)</sup> اسچالتز و همکاران<sup>(۱۹۹۱)</sup> به نقل از بوروس<sup>(۲۰۱۲)</sup> نیز، نقش فرزند ناتی را بر رضایتمندی از زندگی مشترک در

فرزنдан پس از طلاق، و فشارهای اجتماعی و محدودیت‌هایی که از طرف خانواده‌های اصلی در مورد زنان مطلقه اعمال می‌شود، با هدف به دست آوردن آرامش و حل مشکلات ناشی از طلاق تصمیم به ازدواج دوباره می‌گیرند. اهداف و انتظارات متفاوت افراد منجر به ناهمخوانی اولویت‌ها در ازدواج مجدد می‌گردد که دلایل نادرست برای ازدواج مجدد، طی نکردن زمان کافی پس از طلاق و حل نشدن مسائل مربوط به آن، فقدان سیستم حمایتی-آموزشی از طرف جامعه مزاحمت‌های همسر سابق و حضور فرزندان از رابطه قبلی باعث تشدید این ناهمخوانی، تعارض در رابطه زوجی و به کارگری راهبردهایی می‌گردد که پیامد آن کیفت ازدواج مجدد را به صورت مثبت و منفی رقم می‌زند.

**پیشنهادات:** با توجه به نتایج پژوهش، طراحی برنامه‌های آماده‌سازی و غنی‌سازی روابط برای افرادی که پس از طلاق قصد ازدواج مجدد دارند، با هدف شناساندن چالش‌های بالقوه ازدواج مجدد به زوج‌ها، ارتقا مهارت‌های ارتباطی و اتخاذ راهبردهای کارآمد در مواجه با چالش‌ها، می‌تواند نقش موثری در افزایش کیفت ازدواج مجدد داشته باشد.

**محدودیت‌ها:** همچنین با توجه به عدم همکاری مردان در این مطالعه به عنوان مهمترین محدودیت پژوهش حاضر، انجام پژوهش‌های مشابه جهت دستیابی به اطلاعات جامعتر و پایاتر در این حوزه با مشارکت دادن کل اعضای خانواده‌های ناتی (همسران و فرزندان) مفید خواهد بود.

مجدد مورد حمایت خانواده و دوستانشان قرار نگرفتند نسبت به زنانی که مورد حمایت و تایید قرار گرفتند، شادی کمتری در زندگی داشتند. بنابراین کمبود حمایت از سوی دوستان و خانواده‌ها و یا سازگاری کم با خانواده و اطرافیان جدید، با کاهش رضایت از ازدواج مجدد مرتبط است. ولی در ادبیات پژوهش کمتر به مسائل فرهنگی و نقش آن در ازدواج مجدد پرداخته شده است.<sup>(۱۵)</sup> نتایج پژوهش نشان داد، زوج‌ها در مواجهه با ناهمخوانی اولویت‌ها، راهبردهای متفاوتی را به کار می‌گیرند. استفاده از راهبردهای هیجانی و ناکارآمد در برخورد با مشکلات و چالش‌ها که متأثر از ویژگی‌های شخصیتی هریک از همسران، پیشینه ازدواج قبلی و عدم آمادگی برای ازدواج مجدد و بافت اجتماعی فرهنگی می‌باشد، باعث افزایش تعارضات و کاهش کیفت ازدواج مجدد می‌گردد. در ازدواج مجدد‌هایی که همسران با گفتگو در مورد مشکلات و رفع سو تفاهمنها درصدد حل آن‌ها هستند، با وجود مشکلات و تعارضات افراد ارزیابی مثبت‌تری از کیفت ازدواج مجدد خود دارند.

در راستای نتایج این مطالعه سنفورد<sup>۲۰۰۳</sup> و سیگرین و فلورا<sup>۲۰۰۵</sup> نشان دادند، زوج‌ها در ازدواج مجدد نسبت به زوج‌هایی که اولین بارشان است که ازدواج کرده‌اند، تمایل بیشتری به مشاجره دارند و کمتر از الگوهای مثبت ارتباطی بهره‌مند هستند و بسیاری از مسائل خانواده ناتی نظری همکاری، به دلیل فقدان بحث‌های باز درباره مسائل و مشکلاتی که اعضای خانواده را احاطه کرده است، وخیمتر می‌شود.<sup>(۳۱ و ۳۲)</sup> کیفت رابطه زوجی (روابط عاطفی-جنسی) نیز، پیامد راهبردهای مقابله‌ای است که خود تحت تاثیر شرایط حاکم بر ازدواج مجدد و برآورده شدن اولویت‌های هر فرد در ازدواج قرار دارد. نتایج پژوهش‌های آلبرچت<sup>۱۹۷۹</sup>، نقل از آکتورک و فیزیلا<sup>۲۰۰۹</sup> گلو و دیل و اولسون<sup>۲۰۱۰</sup>، نقل از گارنی و همکاران<sup>۲۰۱۳</sup>، نیز نقش مشکلات جنسی را در ایجاد تعارضات زوجی در ازدواج‌های مجدد به عنوان یک فاکتور ارتباطی تایید نمودند.<sup>(۳۳ و ۱۸)</sup> به طور کلی براساس نتایج پژوهش می‌توان گفت، در ازدواج مجدد افراد به دلیل داشتن ازدواج قبلی پرتعارض، و طی نمودن فرایند طولانی و پر از استرس طلاق، آسیب پذیرتر بوده و اعتماد نمودن دوباره به فرد دیگر برایشان دشوار است. با این وجود به دلیل سختی‌های نگهداری از

## نتیجه

### References:

1. Kotrla, K., Dyer, P., & Stelzer, K. (2010). Marriage education with Hispanic couples: evaluation of a communication workshop. Family science review, 15(2): 1-14.
2. Kepler, Amanda.(2015). Marital satisfaction: the impact of premarital and couples counseling. Master of social work clinical research papers. Paper 474.
3. <http://www.google.com/amp/s/www.bbc.com/persian/amp/iran-43683683>
4. Schoen, R., & Standish, N. (2001). The retrenchment of marriage: results from marital status life tables for the United States, 1995. Population and development review, 27(3): 553-563.

5. Sweeney, M. (2010). Remarriage and stepfamilies: strategic sites for family scholarship in the 21st century. *Journal of marriage and family*, 72: 667-684.
6. Whitton.W., Sarah, Stanley. M., Scott, Markman.J., Howard, and Johnson A., Christine.(2013). Attitudes toward divorce, commitment, and divorce proneness in first marriages and remarriages. *Journal of marriage and family*. 75: 276 – 287.
7. Amato, P. R. (2010). Research on divorce: continuing trends and new developments. *Journal of marriage and family*, 72: 650-666.
8. Jensen,M.,Todd, Shafer, Kevin, Guo, Shenyang, and Larson,H.,Jeffry.(2015). Differences in relationship stability between individuals in first and second marriages: a propensity score analysis. *Journal of family, issues* 1-27.
9. Halford, W. K., Nicholson, J., & Sanders, M. (2007). Couple communication in stepfamilies. *Family process*, 46(4): 471-483.
10. Shriner, M. (2009). Marital quality in remarriage: a review of methods and results. *Journal of divorce and remarriage*, 50(2): 81-99.
11. Campbell, Marci.(2012). Exploring aspects of strong remarriages. All graduate theses and dissertations. Paper 1180.
12. Sweeney, M. (2010). Remarriage and stepfamilies: strategic sites for family scholarship in the 21st century. *Journal of marriage and family*, 72: 667-684.
13. Falke, S., & Larson, J. (2007). Remarital predictors of remarital quality: implications for clinicians. *Contemporary family therapy*, 29: 9-23.
14. Pace,T., Garrett, Shafer, Kevin, Jensen,M., Todd, and Larson, F., Jeffry.(2015). Stepparenting issues and relationship quality: the role of clear communication. *Journal of social work*, 15(1): 24–44.
15. Saint-Jacques, M.C., Godbout, Elisabeth, Gherghel, Ana, Parent, Claudine, Sylvie Drapeau & Robitaille, Caroline. (2016). Stepfamily break-up: a qualitative analysis of trajectories and processes. *Journal of divorce & remarriage*, 57(8): 517-541.
16. Knox, P., & Zusman. (2001). Marrying a man with baggage. *Journal of divorce and remarriage*, 35: 3-4.
17. Prato,R., Meghan.(2013). Remarital preparation: the perspectives of individuals involved in a rem-mariage. Dissertation presented to the faculty of the department of professional psychology, Chestnut Hill college. Published by ProQuest LLC.
18. Chelsea L. Garneau, Francesca Adler-Baeder, Brian Higginbotham. Validating the remarriage belief inventory as a dyadic measure for stepcouples. *Journal of family issues*, 2016, Vol 37(1): 1–19.
19. Halford, K. W., Markman, H. J., Stanley, S., & Kline, G. H. (2003). Best practice in couple relationship education. *Journal of marital and family therapy*, 29: 385–406.
20. Holman, T. B., & Linford, S. T. (2001). Premarital factors and later marital quality and stability. In: T. B. Holman (Ed.), *Premarital predictions of marital quqlity or breakup: research, theory, and practice* (pp. 2-28). New York: Kluwer academic publishers.
21. Strauss, Anselm, Carbine, Juliet (2012). Principles of qualitative research: techniques and stages of ground theory. Translation by Ebrahim Afshar. Tehran: Publishing Ney. [Persian]
22. Skogrand, L., Davis, P., & Higginbotham, B. (2011). Stepfamily education: a case study. *contemporary family therapy: an international journal*, 33(1): 61-70.
23. Bruce, B, vanesa.(2010). Couple outcomes in stepfamilies. An abstract presented to the faculty of the health, Griffith ,university Briston, fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy.
24. Higginbotham, B. J., & Adler-Baeder, F. (2008). Assessing beliefs about remarriages and stepfamilies: the remarriage belief inventory. *Journal of divorce and remarriage*, 48: 33-54.
25. Coleman, M., Ganong, L., & Fine, M. (2000). Reinvestigating remarriage: another decade of progress. *Journal of marriage and the family*, 62: 1288–1307.
26. Rempel, J. K., Ross, M., & Holmes, J. G. (2001). Trust and communicated attributions in close relationships. *Journal of personality and social psychology*, 81: 57-64.
27. Brimhall,A.,Wampler,K.,&Kimball,T.(2008). Learning from the past, altering the future: a tentative theory of the effect of past relationships on couples who remarry. *Family process*, 47: 373–387.
28. Booth, A., & Edwards, J.N. (1992). Starting over: why remarriages are more unstable. *Journal of family Issues*, 13: 179-194.
29. Sunshine,J, Davis.(2012). Remarriage satisfaction in stepfamily formed after brevement. An abstract presented to the faculty of the graduate, university of central Florida, fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy.
30. Dakin,J.,& Wampler,R (2008). Money doesn't buy happiness, but it helps: marital satisfaction, psychological distress, and demographic differences between low-and middle-income clinic couples. *America journal of family therapy*, 36(4): 300-311.
31. Sanford, K. (2003). Problem-solving conversations in marriage: does it matter what topics couples discuss? *Personal relationships*, 10(1): 97–112.
32. Segrin, C., & Flora, J. (2005). Family communication. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum. Skinner, K. B., Bahr, S. J., Crane, D. R., & Call, V. R. (2002). Cohabitation, marriage, and remarriage, a comparison of relationship quality over time. *Journal of family issues*, 23(1): 74–90.
33. Akturk, E., & Fisiloglu, H. (2009). Marital satisfaction in Turkish remarried families: marital status, stepchildren, and contributing factors. *Journal of divorce & remarriage*, 50(2): 119-147.